

صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری: یک گام برای تحول در نأمین مالی اقتصاد دانش بنیان

پرتال جامع علوم انسانی

برخی زیرساخت‌های مورد نیاز توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، همچون نیروی انسانی متخصص و تحصیل کرده، ارتقاء و تجهیز زیرساخت‌های آزمایشگاهی و نیز پیشرفت‌های چشمگیر علمی، کشور نتوانسته در زمینه اقتصاد دانش‌بنیان و کسب ثروت از فعالیت‌های دانشی

چکیده

به طور کلی، یکی از اولویت‌های مهم در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در کشور است. بررسی عملکرد کشور در دو دهه گذشته حاکی از آن است که با وجود ایجاد



زهرا کهن دل



لیلا زمانیان فر



سرمایه‌گذاری در آموزش را به عنوان فناوری نویدبخش پیشنهاد می‌کند. در این راستا، یکی از فناوری‌های نویدبخش، صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری است.

مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان

اصطلاح اقتصاد دانش‌بنیان^۱ برای نخستین بار در مطالعات پیتر دراگر در سال ۱۹۶۸ در کتاب وی با عنوان عصر شکاف ظاهر شد. با این حال، این ایده قبل از آن ایجاد شده بود و در سال ۱۹۶۲، فریتز ماچلپ اصطلاحی نزدیک به آن، «صنایع دانشی» را ذکر کرد. با این وجود، نشانه‌های این اقتصاد قدیمی بود و به شکل کنونی آن شناخته شده نبود. علاقه به اقتصاد دانش‌بنیان پس از آن افزایش یافت به گونه‌ای که بانک جهانی، استانداردهای اساسی برای دسترسی به آن بر اساس چهار شاخص اساسی: آموزش، تحقیق و توسعه، سیستم اطلاعاتی، و سیستم‌های قانونی و قانون‌گذاری اتخاذ کرد. بنابراین اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصادی است که در آن فرایندهای تولید و سرمایه‌گذاری دانش‌نقشی اساسی و پایدار در ایجاد ثروت ملتها و افزایش کارایی تمام بخش‌های اقتصادی آن ایفا کند (داونپورت و بک، ۲۰۰۱). به گفته مامری و بالوشی، اقتصاد دانش‌بنیان، سیستم آموزشی است که به منظور توانمندسازی افراد برای کسب دانش، به اشتراک‌گذاری دانش و تولید دانش و استفاده از آن برای بهبود کیفیت زندگی انسان طراحی شده است (جلیلا و سیف، ۲۰۲۰). همچنین آنها اقتصاد دانش‌بنیان را بر اساس تعریف سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ این‌گونه تعریف کرده‌اند: اقتصادی است که مستقیماً به تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات بستگی دارد. هاتون و

شیهان (۲۰۰۰) بر این باورند که اقتصاد دانش‌بنیان از دو نیرو نشأت می‌گیرد: نخست ناشی از تراکم یا شدت بالای دانش در فعالیت‌های اقتصادی ناشی از ادغام فناوری اطلاعات است و افزایش سرعت توسعه فناوری با تکیه بر عنصر انسانی که از اختراع و نوآوری در فرایند تولید برای دستیابی به ارزش‌افزوده و دستیابی به رشد اقتصادی استفاده می‌کند. دومی ناشی از جهانی شدن اقتصاد و تبدیل آن به یک اقتصاد جهانی است. افزون بر این، اقتصاد دانش‌بنیان به خود اقتصاد دانشی مربوط می‌شود، از یک سو از تولید و صنعت دانش همراه با سرمایه‌گذاری در آموزش، تحقیق و توسعه، از یک سو با آماده‌سازی، آموزش کارشناسان و کارگران، و از سوی دیگر بازدهی ناشی از سرمایه‌گذاری. افزون بر این، اقتصاد دانش‌بنیان به فناوری مدرن، از وسایل ارتباطی مانند رایانه، اینترنت، تلفن و غیره در چهارچوب اقتصادی، تا کاربردهایی مانند تشخیص بیماری‌ها، انجام عمل‌های جراحی از راه دور، برگزاری کنفرانس‌های تلفنی، و همچنین تولید مربوط می‌شود. بازاریابی همه این عوامل اقتصاد را مبتنی بر دانش می‌سازد (برینکلی، ۲۰۰۶). بانک اروپایی بازسازی و توسعه آن را به عنوان مفهوم جدیدی از توسعه اقتصادی ارائه کرده است که در آن نوآوری و دسترسی به اطلاعات موتور رشد بهره‌وری محسوب می‌شود. افزون بر این، روندهای جدید اینترنت اشیا^۳ و دیجیتال، عناصر کلیدی گذار به سمت اقتصاد دانش هستند، بنابراین تعیین ستون‌های اساسی که از توسعه اقتصاد دانش حمایت می‌کنند، برای رقابت بلندمدت ضروری است (فایدلی و همکاران، ۲۰۱۹). در حالی که هالتن (۲۰۱۳) نشان داد، سرمایه مرتبط با دانش

موفق باشد. مطالعه حاضر با اثبات نقش آموزش، اهمیت و ضرورت مشارکت اجتماعی به منظور تأمین مالی و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان را مطرح و تأیید می‌کند. بر این اساس، نیاز به تعامل بین دولت، دانشگاه‌ها و شرکت‌ها در مسیر توسعه نوآورانه ضروری به نظر می‌رسد. بهره‌مندی از بودجه مناسب برای توسعه اقتصاد دانش‌بنیان، مستلزم یافتن سایر منابع تأمین مالی محسوب می‌شود و استفاده از امتیازات انحصاری به عنوان شکلی از مشارکت عمومی و خصوصی مورد بحث قرار می‌دهد که اخیراً در برخی از کشورها کاربرد پیدا کرده است. همچنین، مطالعه حاضر استفاده از صندوق‌های سرمایه‌گذاری، به‌ویژه، ساز و کار تأثیر

با هر کشور دیگر به نقاط قوت و ضعف خود دست یابد. این روش بر چهار رکن اقتصاد دانش‌بنیان استوار است که عبارتند از: آموزش، تحقیق و توسعه، فناوری اطلاعات و ارتباطات، انگیزه‌های اقتصادی و سیستم‌های نهادی؛ مجموعه‌ای از شاخص‌ها که تحت این ارکان قرار می‌گیرند، بر اساس میانگین عملکرد هر کشور محاسبه می‌شوند (چن و داهلمن، ۲۰۰۵).

در کشور ما، از زمان تصویب قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۳ و اشاره به اقتصاد ملی دانایی محور در آن و نیز اختصاص فصل چهارم این برنامه به احکام توسعه مبتنی بر دانایی، اقتصاد دانش‌بنیان و سیاست‌های نیل به آن در اکثر سیاست‌ها و برنامه‌های کلان کشور به چشم می‌خورد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به برنامه پنجم توسعه، نقشه جامع علمی کشور، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلی علم و فناوری، و سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه اشاره کرد (فرتاش و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین، طی سال‌های گذشته، مقام معظم رهبری بارها در بیانات و سخنرانی‌های خود بر این مفهوم تأکید داشته‌اند. به گونه‌ای که سال ۱۴۰۱ شمسی طبق بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با عنوان «تولید؛ دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین» نامگذاری شده است. اهمیت توجه به شرکت‌های دانش‌بنیان در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار گرفته است. افزون بر این، امروزه از عوامل مهم در پیشرفت اقتصاد، دانش‌بنیان کردن آن است. در راستای بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) جهت رونق تولید



عامل اصلی رشد، تولید ثروت و اشتغال محسوب می‌شود. سرمایه انسانی موتور محرکه خلاقیت، نوآوری و تولید ایده‌های جدید با تکیه بر فناوری اطلاعات و ارتباطات است. با توجه به تعاریف قبلی، اقتصاد دانش‌بنیان، رویکرد اقتصادی جدیدی است که با تکیه بر دانش، فناوری، اطلاعات و ارتباطات، ارزش افزوده جدیدی در جامعه ایجاد می‌کند. همچنین با توجه به مطالب فوق مشخص می‌شود که اقتصاد دانش‌بنیان بیش از آن که به دارایی‌های فیزیکی مشهود باشد به سرمایه‌گذاری در دانش و دارایی‌های فکری وابسته است، فناوری اطلاعات و ارتباطات زیرساخت اقتصاد دانش‌بنیان به دلیل توانایی آن در ایجاد ارزش افزوده جدید است که دستیابی به مزیت رقابتی کمک می‌کند (گاپته، ۲۰۱۸؛ کاواسگلو، ۲۰۱۶). برای آگاهی از وضعیت کشورها در اقتصاد دانش، بانک جهانی ابزاری برای کمک به کشورها ایجاد کرده است که به آن روش ارزیابی دانش^۴ گفته می‌شود. این ابزار این امکان را می‌دهد که هر کشور با مقایسه خود با کشورهای عضو

منبع مهم رشد اقتصادی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته است و با میانگین درآمد سرانه رابطه مثبت دارد. کنتون، اقتصاد دانش‌بنیان را به عنوان سیستمی مبتنی بر سرمایه فکری تعریف کرده است. بخش بزرگی از ارزش اقتصادی آن شامل دارایی‌های نامشهود مانند ارزش دانش نیروی کار است. زکشفسکی و همکاران (۲۰۲۰) بیان کرده‌اند که جوامع مدرن با چالش بزرگی مواجه هستند که نشان‌دهنده توانایی آن‌ها برای رسیدن به مرحله جامعه دانشی است، پیشرفت و توسعه هر جامعه در گرو توانایی آن در سرمایه‌گذاری مؤثر دانش است و این امر با سرمایه‌گذاری در آموزش برای به کارگیری نظریه‌های شناختی علمی محقق می‌شود. همچنین به عنوان اقتصادی تعریف شد که در آن مؤلفه‌های اصلی رشد اقتصادی به توانایی‌های فکری بستگی دارد نه به نهادهای مادی و منابع طبیعی. چاوش اوغلو اقتصاد دانش‌بنیان را این‌گونه تعریف کرد: «اقتصادی که قادر به تولید، انتشار و استفاده از دانش است که دانش

و اشتغال و رشد شرکت‌های دانش‌بنیان، بسیاری از صاحبان این شرکت‌ها نیازمند ابزاری قدرتمند برای مدیریت کسب و کار خود هستند (زمانیان فر و کهن‌دل، ۱۴۰۱). تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان و روش‌های جذب منابع همیشه نقش پر رنگی برای مدیران این شرکت‌ها داشته و همواره سعی دارند علاوه بر ارائه محصولات و خدمات خود با فناوری به‌روز، منابع مورد نیاز کسب و کار خود را بدون دغدغه در اختیار داشته باشند. وجود نظام مالی کارا در شرکت‌های دانش‌بنیان می‌تواند زمینه‌ساز رشد و ترقی این شرکت‌ها و پیشبرد طرح‌های توسعه آن‌ها با کمترین هزینه مالی شود. در این مطالعه با مرور ویژگی‌های اقتصاد دانش‌بنیان، سرمایه‌گذاری در آموزش و اقتصاد دانش‌بنیان، تحول سرمایه‌گذاری در اقتصاد دانش‌بنیان با استفاده از صندوق‌های سرمایه‌گذاری مالکیت فکری به عنوان عنصری از نظام تأمین مالی اقتصاد دانش‌بنیان پیشنهاد شده است. موضوع قابل تأمل در مطالعه حاضر این است که مبنای نظری و روش شناختی کار، مطالعات علمی و تحلیلی دانشمندان و دست‌اندرکاران سایر کشورها در مورد موضوعات مورد بررسی در زمینه توسعه پایدار اقتصاد دانش‌بنیان است و بر همین اساس بهره‌گیری از صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری پیشنهاد شده است.

ویژگی‌های اقتصاد دانش‌بنیان

اقتصاد دانش‌بنیان دارای چندین ویژگی است که آن را از اقتصاد سنتی متمایز می‌کند که در موارد زیر خلاصه می‌شود: در رابطه با اقتصاد سنتی که مطالعه کمبود نسبی منابع اقتصادی است، در

اقتصاد دانش‌بنیان دقیقاً برعکس بوده و اقتصاد جدید به فراوانی معروف است. به این دلیل که عناصر تشکیل‌دهنده این اقتصاد که دانش و اطلاعات است با استفاده از بین نمی‌روند، بلکه بر خلاف عوامل تولیدی که محور اصلی اقتصاد سنتی را تشکیل می‌دادند، رشد می‌کنند. از این‌رو، اقتصاد دانش‌بنیان با توجه به فناوری دیجیتال، اقتصاد فراوانی است، زیرا دانش مصرف نمی‌شود، به این مفهوم که تحلیل نمی‌رود، بلکه با مصرف، با انتقال آن به دیگری، خود باز تولید می‌شود و به لطف فناوری دیجیتال، هزینه نهایی هر نمونه بعدی نسبت به نمونه اولیه زیاد است و به تدریج کاهش می‌یابد تا زمانی که بازده به صفر نزدیک شود. این همان چیزی است که باعث ایجاد فراوانی در تولید می‌شود، به طوری که اصل فراوانی^۵ به بارزترین ویژگی اقتصاد دانش تبدیل می‌شود (آکینسن و آندس، ۲۰۰۸).

اقتصاد دانش‌بنیان توسط قانون افزایش بازده اداره می‌شود. به این مفهوم که هر چه نسبت ورودی‌ها بیشتر باشد، نسبت خروجی‌ها بیشتر می‌شود، زیرا یکی از ویژگی‌های دانش تجمعی بودن آن است

در واقع، دانش دیدی رو به جلو برای کشف دانش جدید ارائه می‌دهد. اقتصاد دانش‌بنیان با وضعیت عدم قطعیت و ریسک بالا مشخص می‌شود، زیرا در ارزش‌گذاری دارایی‌های نامشهود مشکل وجود دارد و ارزش آن‌ها به دلیل منسوخ شدن سایر دانش‌ها به سرعت کاهش می‌یابد (رابیتیل و همکاران، ۲۰۰۹).

نبود موانع و فواصل جغرافیایی مانعی برای ارتباط و یکپارچگی با محیط داخلی و خارجی تلقی نمی‌شود (کاواسگلو، ۲۰۱۶). سرمایه انسانی عنصر اصلی در اقتصادهای دانش‌بنیان است، زیرا وظیفه تولید دانش را بر عهده دارد که به مهم‌ترین کالای جامعه تبدیل شده است. اقتصاد جدید اکنون تقریباً به طور کامل به تلاش فکری وابسته شده است (مد و همکاران^۶، ۲۰۲۲).

به اعتقاد مؤمنی و چهاربند (۱۳۹۱) الگوی در حال گسترش اقتصاد دانش‌بنیان تغییرات بنیادینی را در ساخت‌های اقتصادی-اجتماعی ایجاد کرده که یکی از زیرساخت‌های مهم در این حوزه، آموزش است. با توجه به محور اصلی اقتصاد دانش‌بنیان که استفاده کارا و مؤثر از سرمایه انسانی است، همه مقاطع





می‌کنند». شواهد سایر کشورها نتایج جالب توجهی را نشان می‌دهد، از نظر شاخص‌های کمی، اقتصادی و آموزشی روسیه موفق بوده است، اما از نظر کیفی از کشورهایی عقب‌تر است که جز ده کشور نخست هستند. جایگاه روسیه در رتبه‌بندی جهانی از نظر شاخص‌های اقتصادی و جمعیتی با موقعیت‌های زیر تعیین می‌شود: حجم تولید ناخالص داخلی سرانه در قدرت خرید-رتبه ۵۳، پوشش آموزش عالی-رتبه ۱۲. جایگاه این کشور در رتبه‌بندی شاخص‌های رقابت‌پذیری جهانی^۷ سال ۲۰۱۹ از سوی مجمع جهانی اقتصاد به شرح زیر است: از نظر کیفیت آموزش حرفه‌ای رتبه ۷۶، و از نظر نوآوری در رتبه ۳۲ قرار دارد. افزون بر این، تجربه جهانی نشان می‌دهد که دستیابی به اثربخشی حل مشکلات اجتماعی و ایجاد شرایط برای توسعه زیرساخت‌های اجتماعی در اقتصاد بازار در یک دولت بدون مشارکت اجتماعی

دانایی محور را با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد کرد. در واقع، یکی از ویژگی‌های بارز واقعیت‌های مدرن و روندهای کلی فرایندهای تکاملی که در اقتصادهای ملی رخ می‌دهد، گذار به اقتصاد دانش‌بنیان است که با دگرگونی ریشه‌ای روش‌های تولید و انتقال دانش، ظهور فناوری‌های نوآورانه ناشی از موج سوم انقلاب علمی-فنی مرتبط است. بدیهی است که در این شرایط نقش آموزش به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد و به عنوان حوزه‌ای در نظر گرفته می‌شود که در آن شایستگی‌های لازم شکل می‌گیرد، دانش (به عنوان منبع اصلی اقتصاد دانش‌بنیان) ایجاد و انتشار می‌یابد. دوم، نیاز به تأسیس و توسعه مؤسساتی که سطح بالایی از آموزش را ارائه دهند و بر شکل‌گیری اقتصاد دانش‌بنیان تأثیرگذار باشند، «به‌ویژه مؤسساتی که ابزارهای جدیدی برای جذب منابع مالی معرفی

آموزشی به ویژه آموزش پایه و زیربنای اصلی سایر مقاطع است، باید مورد توجه خاص قرار گیرد. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه، این مقطع دچار مشکلات جدی است. بررسی این موضوع، مباحث کلیدی مهم دیگری را همچون نقش چهارچوب نهادی اقتصاد و اثر آن بر بازار کار شامل می‌شود. بنابراین آن‌ها با تبیین اهمیت نقش آموزش پایه در تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در ایران در قالب نظریه نهادگرایان و شناسایی چالش‌ها در این زمینه نشان داده‌اند، از طرفی ساختار نهادی در ایران تاکنون بر محوریت دانش قرار نگرفته تا فعالیت‌های اقتصادی را به این سمت سوق دهد. از طرف دیگر با وجود غلبه سهم شاغلان اقتصادی با تحصیلات آموزش پایه در بازار کار ایران، به این مقطع و ابعاد اهمیت و چالش‌های آن توجه کافی نشده است و استمرار این دو مساله در کنار هم ورود ایران به اقتصاد

غیرممکن است. نتیجه مثبت تنها بر اساس مشارکت اجتماعی به عنوان ابزار فرایندی قابل دستیابی بوده، که سیستمی است شامل اهداف، افراد و روابط بین آن‌ها، به شکلی نهادی، و همچنین ساز و کارهایی برای اجرای روابط در قالب توافق‌نامه‌ها بر اساس تعاملات به منظور دستیابی به توافق در مورد وظایف مشترک. در این راستا، اهمیت مطالعه در جذب تأمین مالی، شناسایی مشکلات اجرای مشارکت اجتماعی و فرصت‌های بالقوه برای اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه رو به افزایش است. در حال حاضر همچنان کمبود حمایت مالی از مؤسسات آموزشی، یکی از پایه‌های شکل‌گیری و عملکرد اقتصاد دانش‌بنیان وجود دارد. بر خلاف این که سیستم تأمین مالی به طور مداوم با سازوکارها و ابزارهای تأمین مالی جدید به روز می‌شود، موضوع جذب سرمایه در حوزه شرکت‌های دانش‌بنیان به شدت حاد است. به عنوان نمونه، مشوق‌های مالیاتی و همچنین توسعه ساز و کارهای تأمین مالی جدید و پیدایش مؤسسات سرمایه‌گذاری جدید در بازار می‌تواند سرمایه‌گذاران را فعال کند. همچنین می‌تواند کارکرد اجتماعی داشته باشد و شرایطی را برای تأمین مالی اقتصاد دانش‌بنیان توسط افراد و نهادهای مختلف ایجاد کند، بنابراین، آن‌ها را نه تنها در فرایند سرمایه‌گذاری، بلکه در فرایند ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان مشارکت می‌دهد (گاریانو و همکاران، ۲۰۲۰).

سرمایه‌گذاری در آموزش و اقتصاد دانش‌بنیان

از نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، علم برای کشور، سرمایه‌ای بی‌پایان و تمام‌نشدنی است؛ بنابراین اگر چرخه

تولید علم در کشور به راه بیافتد، اگر استعدادی به جریان بیافتد، اگر ظرفیت‌ها شروع به بروز و ظهور کنند، این منبع تمام‌نشدنی است. این دیدگاه باز و روشن درباره مقوله حمایت از دانش‌بنیان‌ها دقیقاً در زمانی که مجموعه‌های دانشی در حال شکل‌گیری هستند، به نوعی حمایت همه‌جانبه از نیروی انسانی نخبه و صاحب دانش هم به حساب می‌آید و بر نقش سرمایه‌گذاری در آموزش تأکید می‌کند. در واقع، پایه و اساس دانش با سرمایه‌گذاری در مؤسسات آموزش عالی و مطالعاتی افزایش می‌یابد تا بتوان نیروی کار ماهر و بالاتری را جذب کرد و کشور را در رقابت جهانی جای داد. از سوی دیگر، دولت اکثر کشورهای جهان با درک اهمیت آموزش برای ایجاد و تکامل اقتصاد دانش‌بنیان در حال اصلاح این حوزه هستند که این امر مستلزم تغییر ساختار نظام آموزشی و علمی، و فراهم آوردن شرایط برای شکل‌گیری نظام ملی نوآوری است که در آن ادغام و تعامل اجتماعی همه فعالان اقتصادی اقتصاد ملی اعم از دولت، دانشگاه‌ها و تجارت باید انجام پذیرد. در برخی از کشورها، در

چهارچوب بودجه برای آموزش، مشکل مهم برای اجرای اصلاح آموزش، جذب سرمایه‌های خصوصی و صلاحیت‌ها در ایجاد و بهره‌برداری از امکانات در فرایند آموزشی است. همچنین، در زمینه جهانی، در حال حاضر برای حل مشکل بودجه، از ساز و کارهای جذب سرمایه خصوصی برای آموزش استفاده می‌شود، مانند مشارکت‌های دولتی-خصوصی، صندوق‌های تأمین مالی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، کمک‌های بلاعوض و غیره. در این زمینه، مشارکت عمومی-خصوصی که ساز و کار مؤثری برای جذب سرمایه خصوصی برای اجرای پروژه‌ها در زیرساخت‌های تولیدی و اجتماعی است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. موضوع مهم دیگر آن است که در برخی از کشورها، قانون و مقررات در مورد مشارکت‌های دولتی-خصوصی، مشارکت‌های شهرداری-خصوصی امکان در نظر گرفتن مالکیت خصوصی زیرساخت‌های عمومی را فراهم می‌کند. یکی از شروط اصلی در این مورد آن است که سرمایه‌گذار باید تأمین مالی کامل یا جزئی زیرساخت و بهره‌برداری از آن را برای هدف مورد



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واقعی نظام نوآوری و دانش‌بنیان و تأمین مالی این نظام فراهم می‌شود. به اعتقاد کالسا (۲۰۱۶) جهانی شدن، روندهای منفی جمعیتی، منابع جدید دانش و بازار کار بی‌ثبات عوامل تعیین‌کننده در پس تغییر رویکرد به سیستم آموزشی محسوب می‌شوند. آموزش رسمی و غیررسمی شرط لازم اجرای اقتصاد دانش‌بنیان است. با این وجود، این فرایند مستلزم تحلیل دقیق بودجه آموزش است. بررسی کشور لهستان توسط آنان نشان داد، آن چه که اجرای اقتصاد مبتنی بر دانش را مهار می‌کند، فقدان مقررات قانونی است که امکان اجرای راه‌حل‌های جدید برای تأمین مالی آموزش در لهستان را فراهم می‌کند. راه‌حل‌ها شامل تأمین مالی مشترک مؤثر از بودجه دولتی، بودجه دولت محلی و بودجه خصوصی (ارائه شده توسط کارفرمایان و فراگیران) است. این موضوع نیاز به مطالعه مفهومی فوری و شروع پروژه‌های اجرایی در حوزه تأمین مالی عمومی در لهستان دارد.

در نهایت باید بیان کرد که بسترهای متعددی برای تأمین مالی کارآفرینی و توسعه واقعی نظام نوآوری و دانش‌بنیان وجود دارد. در این ارتباط کمک‌های دولتی، وام‌های بانکی، فرشتگان کسب و کار^۸ و سایر سرمایه‌گذاران نهادی می‌توانند نقشی بسزا ایفاء کنند. با این وجود، به دلیل ماهیت ریسکی پروژه‌های دانش‌بنیان و فقدان دارایی‌های فیزیکی در مراحل اولیه توسعه این شرکت‌ها و در کل عدم تطبیق طرح‌های کارآفرینی با سیاست‌های اعتباری سیستم بانکی، امکان تأمین مالی منابع مورد نیاز این پروژه‌ها توسط سیستم متعارف بانکداری تجاری وجود ندارد. مرور مطالعات انجام شده نشان می‌دهد دو منبع رسمی و غیررسمی اصلی برای تأمین مالی



کشور و حوزه‌های همبستگی وجود دارد که برای جذب سرمایه‌گذاری در آن بر اساس اصول مشارکت عمومی و خصوصی عمل می‌شود. همچنین، کشورهایی که سطح توسعه اجتماعی-اقتصادی بالایی دارند، بخش‌های بهداشت و آموزش را ترجیح می‌دهند و در کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار، این حوزه‌ها اولویت ندارند: زیرساخت‌های حمل و نقل اولویت نخست در جذب سرمایه‌گذاری از طریق بخش دولتی-خصوصی است. مشارکت ساخت و ساز و بازسازی جاده‌ها، پنا، راه‌آهن و غیره. در حال حاضر ۵۹ پروژه در زمینه آموزش پیش‌دبستانی و متوسطه در روسیه وجود دارد که اشکال اجرای آنها عبارتند از: قرارداد امتیاز، توافق‌نامه مشارکت عمومی-خصوصی یا شهرداری-خصوصی که ۱۱ پروژه در حال بهره‌برداری است (گارانوا و همکاران، ۲۰۲۰). در واقع، باید بیان کرد هر چقدر در جامعه‌ای برای آموزش اهمیت بیشتری در نظر گرفته شود، اقتصاد دانش‌بنیان و به دنبال آن بسترهای بیشتری برای توسعه

نظر تأمین کند. این تغییر مثبت در قوانین در مقایسه با مفاد قبلی قوانین منطقه‌ای در مورد مشارکت عمومی و خصوصی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اجتماعی را جذاب‌تر می‌کند. در واقع، در کشورهایی که با سطح بالای سرانه تولید ناخالص داخلی مشخص می‌شوند، جایی که دولت سطح مناسبی از حمایت اجتماعی، مراقبت‌های پزشکی و آموزش را ارائه می‌کند، مشارکت در بخش‌های بهداشت و آموزش رایج‌تر بوده و به ویژه به آموزش توجه بیشتری معطوف شده است. به عنوان نمونه، داده‌های مقایسه‌ای دو کشور توسعه‌یافته روسیه و آلمان قابل توجه است و می‌تواند اهمیت توجه به اقتصاد دانش‌بنیان را نمایان سازد. به عنوان نمونه در آلمان، ۴۰ درصد از پروژه‌های مشارکت دولتی و خصوصی در زمینه آموزش است. در روسیه، آمار نتایج دیگری را نشان می‌دهد: زیرساخت‌های حمل و نقل و انرژی حدود ۵۰ درصد از کل پروژه‌ها را تشکیل می‌دهند و آموزش فقط ۳.۶ درصد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین سطح توسعه یافتگی

شرکت‌های دانش‌بنیان وجود دارد. منابع غیررسمی برای تأمین مالی خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- منابع متعلق به کارآفرینان، خانواده و دوستان آن‌ها^۱

۲- منابع غریبه‌ها^۲ که از فرشتگان کسب و کار و اکسلریتورها تأمین می‌شود.

فعالیت فرشتگان کسب و کار^۳ تحت عنوان بازار غیر رسمی ونچرکپیتال شناخته می‌شوند و منابع آن تحت عنوان «پول دل»^۴ شناخته می‌شود. بخشی از منابع مورد نیاز کارآفرینان مخصوصاً در فازهای اولیه توسعه استارت‌آپ‌ها توسط انکباتورها که عمدتاً دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی هستند و منابع آن‌ها از محل تسهیلات و وام‌های بلاعوض دولتی تأمین می‌شود ارائه می‌شود. منابع رسمی تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان توسط شرکت‌های ونچرکپیتال تأمین می‌شود که تحت عنوان پول هوشمند^۴ شناخته می‌شود (پورا برهیمی و همکاران، ۱۴۰۰).

بر اساس مطالب بیان شده، موضوع قابل تأمل مربوط به نقش سرمایه‌گذاری در آموزش و به دنبال آن رشد و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان و فراهم کردن توسعه‌یافتگی اقتصاد کشور است. در این مورد نه تنها توجه نیاز به جذب سرمایه خصوصی در اقتصاد دانش‌بنیان قابل توجه است، بلکه مطالعه تجربه جهانی این فرایند به منظور انطباق با کشور ایران ضروری است. نقش منابع رسمی و غیررسمی تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان، بر حسب میزان منابع مورد نیاز شرکت‌های دانش‌بنیان در مراحل متفاوت توسعه کسب و کار این شرکت‌ها متفاوت است و این موضوع باید از سوی مدیران شرکت‌ها، سرمایه‌گذاران، قانونگذاران و غیره مورد توجه قرار گیرد. همچنین، دولت باید با درک اهمیت

آموزش برای ایجاد و تکامل اقتصاد دانش‌بنیان این حوزه را اصلاح کند که این امر مستلزم تغییر ساختار نظام آموزشی و علمی و فراهم آوردن شرایط برای شکل‌گیری نظام ملی نوآوری است، اما به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری در اقتصاد دانش‌بنیان نیازمند تحول اساسی است. برای این منظور در بخش بعدی مطالعه حاضر، استفاده از صندوق‌های سرمایه‌گذاری مالکیت فکری به عنوان عنصری از نظام تأمین مالی اقتصاد دانش‌بنیان به عنوان تجربه موفق سایر کشورها ارائه شده است.

تحول سرمایه‌گذاری در اقتصاد دانش‌بنیان

یکی دیگر از سازوکارهای جذب سرمایه‌گذاری ممکن است تشکیل صندوق‌های سرمایه‌گذاری است. رویه جهانی نشان‌دهنده ارتباط و اثربخشی این ساز و کار تأمین مالی است. در سال ۲۰۰۷، در فرایند جستجو برای رویه‌های سرمایه‌گذاری جایگزین، مفهوم «سرمایه‌گذاری تأثیرگذار»^۵ توسعه یافت. «سرمایه‌گذاری تأثیرگذار» به عنوان

«سرمایه‌گذاری‌هایی با هدف ایجاد اثر مثبت علاوه بر بازده مالی» تعریف می‌شود (مرگان، ۲۰۲۰). ویژگی متمایز در این مفهوم نه تنها ترکیب نتایج مالی و اجتماعی به عنوان انگیزه برای فعالیت سرمایه‌گذاری، بلکه تمایل سرمایه‌گذاران برای به‌دست آوردن نتایج در حوزه اجتماعی و یا محیطی بود. سرمایه‌گذاری‌های تأثیرگذار، مولدهای فعال تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی مثبت هستند، سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها، شرکت‌ها و بنیادهایی که توانایی‌ها و نتایج آن‌ها بیش‌تر از سازمان‌های سنتی است. در عمل، اصطلاح سرمایه‌گذاری تأثیرگذار یا سرمایه‌گذاری متحول‌کننده برای تعیین این شکل از سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. می‌توان گفت که استفاده از سرمایه‌گذاری تحول آفرین، فناوری تبدیل ارزش به ارزش است و ابزار مبادله‌ای برای جذب سرمایه به منظور سرمایه‌گذاری در چنین پروژه‌هایی، صندوق قابل معامله در بورس^۶ است که به طور گسترده در بورس مورد معامله قرار گرفته و در غرب مورد استفاده قرار می‌گیرد. در برخی





فعالیت‌های نوآورانه در مراحل اولیه آن و همچنین تحریک توسعه بازار برای حقوق انحصاری در نتیجه فعالیت‌های فکری به عنوان یکی از بازارهای مهم نویددهنده، از نظر اقتصادی و اجتماعی در دنیای مدرن باشد. از یک طرف، صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری، مانند هر صندوق سرمایه‌گذاری مشترک دیگری، سرمایه موقت آزاد سرمایه‌گذاران را انباشته می‌کند که به حل مشکل دسترسی به سرمایه کمک می‌کند. از سوی دیگر، صندوق سرمایه‌گذاری مشترک یک نهاد تأمین مالی است، زیرا از طریق عملکرد آن است که سرمایه از یک سرمایه‌گذار به افراد نیازمند سرمایه بازتوزیع می‌شود (در این شرایط سرمایه در اختیار افراد و نهادهایی قرار می‌گیرد که به فعالیت‌های نوآورانه مشغول هستند و در ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان مشارکت دارند).

به اعتقاد ورشینا و همکاران (۲۰۱۶) صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری باید مطابق با چهارچوب قانونی موجود حاکم بر فعالیت‌های انواع دیگر صندوق‌های سرمایه‌گذاری تشکیل و مدیریت شود. ترکیب دارایی صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری شامل موارد زیر است:

- حقوق انحصاری در نتیجه فعالیت فکری؛
- وجوه نقد؛
- سهام شرکت‌های سهامی؛
- سهام شرکت‌های با مسئولیت محدود؛
- سهام شرکت‌های سهامی خارجی؛
- ابزار بدهی، یعنی: اوراق قرضه مؤسسات تجاری و همچنین اوراق قرضه تضمین شده؛
- مبادله اوراق قرضه نهادهای تجاری؛
- اوراق قرضه ناشران خارجی و

غربی بوده است. به اعتقاد گارانوا و همکاران (۲۰۲۰) در حال حاضر، مفهوم معرفی فعالیت صندوق‌های قابل معامله در بورس در بازار روسیه به شکل جدید در حال توسعه است و بانک روسیه به طور قابل توجهی ساختار بازار سرمایه‌گذاری جمعی را ساده‌تر کرده است. در واقع، سرمایه‌گذاری تأثیرگذار امکان ترکیب مزیت‌های سرمایه‌گذاری‌های ترکیبی و ابزارهای مبادله‌ای را فراهم می‌کند و نه تنها جذب سرمایه‌گذاران خصوصی، بلکه کاهش ریسک سرمایه‌گذاران بالقوه (سهامداران) را نیز تضمین می‌کند. افزون بر این، ساز و کار سرمایه‌گذاری از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس می‌تواند ساختار مدیریت دارایی را بهینه کند. ورشینا و همکاران (۲۰۱۶) پیشنهاد کرده‌اند که نوع دیگری از صندوق‌های سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شود که می‌تواند به توسعه اقتصاد دانش‌بنیان کمک کند و این صندوق‌ها را صندوق‌های سرمایه‌گذاری مالکیت فکری اقتصاد دانشی^{۱۸} نام‌گذاری کرده‌اند. هدف اصلی صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری^{۱۹} باید تأمین مالی

از کشورها، صندوق‌های سرمایه‌گذاری متقابل قابل معامله در بورس^{۱۷} را می‌توان مشابه صندوق قابل معامله در بورس در نظر گرفت. صندوق‌های سرمایه‌گذاری متقابل قابل معامله در بورس به شرح زیر تعریف می‌شوند: «صندوق‌های قراردادی عمدتاً در کشورهای مشمول قانون گسترده هستند و به عنوان ترکیبی از اموال بر اساس توافقنامه مالکیت مشترک (توافق با سرمایه‌گذاران) ایجاد می‌شوند. در این صورت، مدیریت اموال تشکیل‌دهنده صندوق به یک شرکت مدیریتی واگذار می‌شود که موظف است به نفع سرمایه‌گذاران اقدام کند. دارنده منتخب دارایی‌های صندوق سرمایه‌گذاری، نهادی است که حسابداری و حفظ دارایی را انجام می‌دهد. منبع درآمد اولیه برای سرمایه‌گذاران تفاوت بین قیمت خرید و فروش برای سهم صندوق سرمایه‌گذاری (واحد سرمایه‌گذاری) است. با این حال، گاهی اوقات می‌توان بازده فعلی را به دست آورد»؛ از جمله مشکلات مرتبط با ایجاد چنین صندوق‌هایی در این کشورها، عدم بلوغ نهادهای رسمی، از جمله چهارچوب قانونی مشابه با شیوه‌های

سازمان‌های مالی بین‌المللی در صورتی که بازپرداخت کامل اصل مبلغ را پیش‌بینی کرده باشند؛
■ اوراق بهادار دولتی و اوراق بهادار شهرداری.
برای این که دایره سهامداران بالقوه یک صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری کاهش نیابد، سهام سرمایه‌گذاری چنین صندوقی نباید در گردش محدود باشد، یعنی هر شخصی باید فرصت کسب آن‌ها را داشته باشد. البته، می‌توان یک صندوق سرمایه‌گذاری مشترک برای مالکیت فکری و فقط برای سرمایه‌گذاران واجد شرایط ایجاد کرد که سرمایه‌گذاری در آن ریسک بالاتری نسبت به صندوق سرمایه‌گذاری مشترک برای مالکیت فکری برای هر سرمایه‌گذار خواهد داشت. با این حال، تصمیم‌گیری برای محدود کردن واحدهای سرمایه‌گذاری در گردش باید داوطلبانه باشد و قانون نباید هنجاری را معرفی کند که بر اساس آن واحدهای یک صندوق سرمایه‌گذاری

مشترک مالکیت فکری فقط برای سرمایه‌گذاران واجد شرایط در نظر گرفته شود. بنابراین، از طریق عملکرد صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری، نخست تأمین مالی بسیار مورد نیاز برای توسعه ایده‌های نوآورانه تأمین می‌شود، دوم بازار حقوق انحصاری نتیجه فعالیت‌های فکری در حال رشد است و سوم سرمایه‌گذاران قادر به دریافت درآمد از سرمایه‌گذاری شده هستند. در واقع، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری برای سرمایه‌گذاران جالب خواهد بود، زیرا به دلیل تفاوت بین قیمت فروش و قیمت خرید سهم سرمایه‌گذاری، فرصت دریافت درآمد بالایی را برای آن‌ها فراهم می‌کند که رشد ارزش آن به نوبه خود، به کارایی مدیریت یک صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری و همچنین به عنوان نمونه به عوامل زیر بستگی دارد:
■ موفقیت فرایندهای نوآوری و امکان

حمایت قانونی و تجاری سازی نوآوری‌ها؛
■ تقاضای حقوق انحصاری در نتیجه فعالیت‌های فکری (تقاضای زیاد در بازار مورد نظر به دلیل عرضه محدود، ناگزیر به افزایش قیمت‌ها می‌شود)
■ افزایش ارزش سهام (سرمایه مجاز) شامل دارایی‌های صندوق سرمایه‌گذاری واحد مالکیت فکری به دلیل عملکرد مؤثر فرد یا نهادی که آن‌ها را منتشر کرده است، عمدتاً در زمینه نوآوری؛
■ ثبات وضعیت مالی و اقتصادی فرد یا نهاد صادرکننده اسناد بدهی، به ویژه در مورد توانایی پرداخت بدهی‌های خود؛
■ وجود یا عدم وجود تفاوت مثبت نرخ ارز.
عملکرد صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری به طور مستقیم یا غیرمستقیم می‌تواند تأثیر مطلوبی بر اقتصاد کشور داشته باشد، به این مفهوم که صندوق‌های سرمایه‌گذاری





در راستای توضیح عوامل و محرک‌های توسعه بلندمدت اقتصادی کشورها در سال‌های پایانی قرن بیستم پدیدار شد. به اعتقاد استیلتز (۱۹۸۸) در عصر حاضر، اصطلاح اقتصاد دانش‌بنیان، یا اقتصاد دانشی^{۲۲} که توسط سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی مورد تأکید خاص در راهبرد توسعه ملل قرار گرفته، گویای تأکید در نقش دانش و فناوری در جریان توسعه اقتصاد است؛ از این رو می‌توان گفت در اقتصاد دانش‌بنیان، به دانش از نظر کیفی و کمی بااهمیت‌تر از گذشته نگرینسته می‌شود. در این نگرش، هدف اصلی از توجه به اقتصاد دانش محور نهایتاً دستیابی به توسعه پایدار، خصوصاً در کشورهای فقیر و در حال توسعه می‌باشد. از دیدگاه جوزف استیگلیتز دانش به عنوان کالای عمومی جهانی بوده و زمانی بیشترین تأثیر را در جامعه اعمال خواهد کرد که بدون هرگونه اغماض توزیع شود. وی برای تحقق این مهم در عرصه جهانی،

واحد‌های سرمایه‌گذاری درآمد دریافت کنند).

- سپرده‌گذاری تخصصی؛
- ثبت‌کننده؛^{۲۱}
- حسابرس؛
- ارزیاب مستقل.

نوآوری، مالکیت فکری، آموزش و اقتصاد دانشی مفاهیمی به هم مرتبط هستند و توسعه هر یک از آن‌ها بدون تکامل دیگری غیرممکن است. تأمین مالی مؤثر سیستم آموزشی و نوآوری نه تنها شامل استفاده از منابع کافی و جوه، ابزارها و اشکال جذب آن‌هاست، بلکه عملکرد ساز و کار مؤثری برای گردش منابع مالی در محیط نوآوری است. در این راستا استفاده از صندوق‌های سرمایه‌گذاری مالکیت فکری به عنوان عنصری از نظام تأمین مالی اقتصاد دانش‌بنیان پیشنهاد شده است (گارانوا و همکاران، ۲۰۲۰).

بحث و نتیجه‌گیری

به طور کلی، مفهوم اقتصاد دانش‌بنیان

مشترک مالکیت فکری مورد توجه هستند و توصیه می‌شود که در ترکیب مؤسسات سرمایه‌گذاری گنجانده شده و این امر در سطح قانون‌گذاری رفع شود. زیرساخت صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری اساساً با زیرساخت انواع دیگر صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک تفاوت ندارد. با این وجود، بررسی آن برای ترسیم تصویری جامع از عملکرد صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری ضروری است. علاوه بر موضوع جدایی ناپذیر زیرساخت هر صندوق سرمایه‌گذاری و مقامات دولتی^{۲۰} در فرایند فعالیت صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری، ضروری است:

- مدیریت شرکت (موضوع اصلی زیرساخت هر صندوق سرمایه‌گذاری مشترک از جمله صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری است، زیرا دقیقاً اقدامات آن است که در نهایت به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهد از سرمایه‌گذاری در

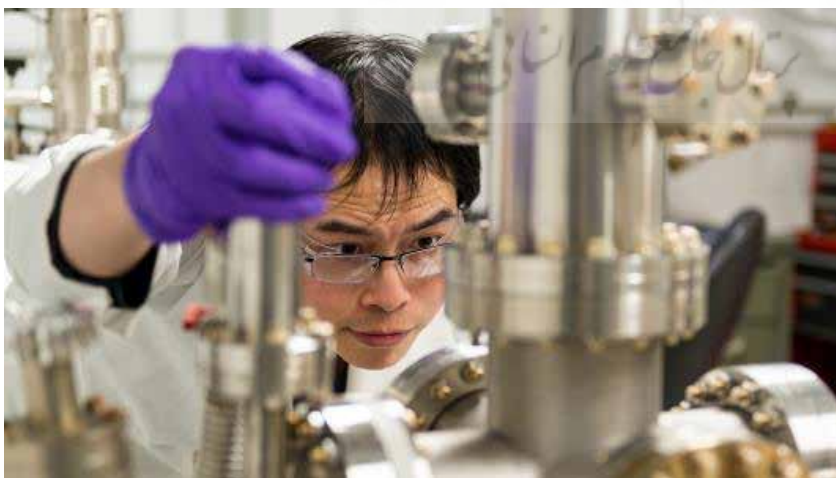
تغییر نگرش به مسئله توسعه و تجدید ساختار سازمان‌های بین‌المللی را ضروری می‌داند. (ناظمان و اسلام فر، ۱۳۸۹).

از سوی دیگر، ایجاد اقتصاد دانش‌بنیان مستلزم شکل‌گیری مشارکت بین تمامی فعالان دخیل در فرایند اجتماعی و ایجاد سیستم تعامل مؤثر و در واقع، درک اهمیت آموزش به طور ویژه است. رویه برخی از کشورها بیانگر نیاز به سیاست فعال در زمینه ایجاد اقتصاد دانشی است و یکی از موضوعات اصلی بهبود چهارچوب قانونی، گسترش توانایی‌های فعالان بازار از یک سو، اما حفظ منافع آن‌ها و منافع جامعه به عنوان یک کل، از سوی دیگر است. در واقع، با بررسی وضعیت و رویه‌های سایر کشورها به عنوان نمونه، روسیه و آلمان) می‌توان زمینه اقتصاد دانش‌بنیان در کشور ایران را نیز فراهم کرد. تجربه موفق جهانی در حال تبدیل شدن به مبنایی است که بر اساس آن می‌توان راه‌حل‌های سازگار با اقتصاد را توسعه داد. به نظر می‌رسد، بر طبق بررسی‌های مطالعه حاضر، جذاب‌ترین راه‌حل مشارکت دولتی-خصوصی و استفاده از صندوق‌های سرمایه‌گذاری است که می‌تواند به توسعه اقتصاد دانش‌بنیان کمک کند. نمونه‌ای از این صندوق‌ها، صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری است که هدف اصلی آن تأمین مالی فعالیت‌های نوآورانه و همچنین تحریک توسعه بازار سرمایه برای حقوق انحصاری در نتیجه فعالیت‌های فکری به عنوان یکی از بازارهای مهم نویددهنده، از نظر اقتصادی و اجتماعی در دنیای مدرن است. از سوی دیگر، سطح توسعه و پویایی حوزه نوآوری زمینه را برای رشد اقتصادی پایدار در یک مسیر فشرده فراهم می‌کند و تأثیر قابل توجهی بر وضعیت اقتصاد

جهانی نیز دارد. ویژگی بارز جامعه مدرن تولید ایده‌های جدید، اجرای آن‌ها در عمل، بهبود مستمر و پیش‌رونده افراد، اهداف و فرایندهای موجود است. در واقع، مفهوم مطالعه حاضر از جذب سرمایه‌گذاری در آموزش، بهبود، و توسعه ساز و کارهای تأمین مالی اقتصاد دانش‌بنیان (صندوق سرمایه‌گذاری مشترک مالکیت فکری) بر اساس مشارکت همه بازیگران فعال اقتصادی در اقتصاد ملی بر اساس اصول مشارکت اجتماعی است. در میان نویدبخش‌ترین زمینه‌ها برای بهبود ساز و کارهای سرمایه‌گذاری در شرایط مدرن، بهبود مشارکت‌های دولتی-خصوصی، تطبیق شیوه‌های موفق مبادله و صندوق‌های سرمایه‌گذاری متقابل، توسعه صندوق‌های وقفی متمایز هستند. شرط اساسی عمومی برای استفاده موفقیت‌آمیز از این ساز و کارها، بهبود شرایط نهادی، از جمله ایجاد سیستم حمایتی نظارتی لازم در تمام مراحل اصلی تأمین مالی کلان و خرد است.

در نهایت، «تولید» دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین»، این نام و شعاری است که نخستین سال از قرن جدید به آن مزین شده است. این در حالی است که

موضوع اقتصاد، به‌ویژه تولید طی چند سال گذشته پای ثابت شعار سالانه بوده است. در این زمینه باید گفت یکی از شاهراه‌های تحقق شعار امسال را بدون شک باید بازار سرمایه دانست؛ چرا که به باور کارشناسان سرمایه‌گذاری در تولید دانش‌بنیان ریسک‌پذیر و خطرپذیر است؛ بنابراین سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دانش‌بنیان باید مورد تضمین قرار بگیرند که در این زمینه بازار سرمایه با ابزارهایی از جمله صندوق‌ها می‌تواند این ریسک‌ها را کنترل کند. از سوی دیگر یکی از مهمترین اقدامات زمینه تحقق شعار ۱۴۰۱، پذیرش شرکت‌های جدید فعال در حوزه‌های تولید، دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرینی در بازار سرمایه و استفاده از ظرفیت‌های این بازار برای عرضه سهام و مالکیت آن‌ها در بورس است که در این راستا باید شرایطی فراهم شود که امکان ورود فناوری‌های نوین و جدید به صنایع بزرگ در قالب شرکت‌های دانش‌بنیان ایجاد شود. از سوی دیگر ایجاد، گسترش و تعمیق رابطه و همکاری میان دانشگاه، فعالان اقتصادی و بنگاه‌ها و واحدهای اقتصادی در بستری به نام بازار سرمایه هم برای تحقق این شعار ضروری است؛



و عملکردی بر انتخاب روش تامین مالی و اثر متقابل روش تامین مالی بر این متغیرها. فصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی، ۹(۱۸)، ۹۹-۱۲۲.

- حاجی‌وند، مهدی. (۱۴۰۱). نقش بورس در تحقق شعار «تولید؛ دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین»، خبرگزاری تسنیم.

- زمانیان‌فر، لیلا، کهن‌دل، زهرا. (۱۴۰۱). هزینه‌یابی هدف و اقتصاد دانش‌بنیان، هفته‌نامه بورس. شماره ۴۴۵.

- فرتاش، کیارش، عطاپور، محمدرضا. (۱۳۹۴). مروری بر تاریخچه، رویکردها و تجارب پنج کشور منتخب در راستای استقرار اقتصاد دانش‌بنیان. معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی، دفتر مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین. ۲۸۰، شماره مسلسل: ۱۴۷۰۹.

- مومنی، فرشاد، چهاربند، فرزانه. (۱۳۹۱). جایگاه نهادی آموزشی پایه در توسعه دانش‌بنیان. سیاست‌نامه علم و فناوری، ۲(۱)، ۸۰-۶۷.

- ناظم‌ان، حمید، و اسلامی‌فر، علیرضا. (۱۳۸۹). اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه پایدار (طراحی و آزمون یک مدل تحلیلی با داده‌های جهانی). دانش و توسعه، ۱۷(۳۳)، ۲۱۳-۱۸۴.

- Atkinson, R. D. ; Andes, S. M. (2008). The State New Economy Index: Benchmarking Economic Transformation in the State.
- Brinkley, I. (2006). Defining the Knowledge Economy. The Work Foundation: London, UK, Volume 19.
- Cavusoglu, B. (2016). Knowledge economy and north cyprus. Pro-cedia Econ. Financ. 39, 720-724.
- Chen, D. H. ; Dahlman, C. J.



با تجربه‌اند، به طور فزاینده‌ای به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تأمین مالی از طریق اعطای مالکیت مطرح هستند.

- 10- 3F Money / Love money
- 11- Stranger Money
- 12- Angels Investors
- 13- Love money
- 14- Smart money
- 15- Impact investment
- 16- Exchange Traded Fund (ETF)
- 17- Exchange Traded Mutual Investment Funds
- 18- knowledge economy - intellectual property investment funds
- 19- Mutual investment fund of intellectual property
- 20- public authorities
- 21- registrar
- 22- Knowledge Economy (KE)

منابع و ماخذ

- پوراابراهیمی، محمدرضا، دلیری، علیرضا، ثقفی، علی، عبده تبریزی، حسین. (۱۴۰۰). بررسی اثر متغیرهای شرکتی

ضمن این که باید محدودیت‌های فرایند تأمین مالی شرکت‌های دانش‌بنیان از طریق این بازار با همفکری و همراهی این سه ضلع برداشته شود(حاجی‌وند، ۱۴۰۱). ■

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Knowledge Based Economy (KBE)
- 2-Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)
- 3-Internet of Things
- 4-Knowledge Assessment Methodology (KAM)
- 5-The principle of abundance
- 6-Mohamed et al.
- 7-The Global Competitiveness Report
- 8- Angels Investors

۹- فرشتگان کسب و کار در کشورهای توسعه‌یافته، از مهم‌ترین گروه‌های گیررسمی حامی نوآوری و توسعه ایده‌ها در مراحل اولیه رشد شرکت‌ها هستند. این گروه اغلب شامل کارآفرینان یا تجار

and the Rockefeller Foundation. Global Research.

- Robitaille, J. -P. ; Lemelin, P. ; Larivière, V. (2009). Triadic Patent Families: Method and Results. Compendium of indicators of scientific and technological activity in Quebec. p. 85–90.
- Stiglitz, J. (1998), “Towards a New Paradigm for Development” ,UNCTAD.
- Vershinina, A. A. Goryainova, L. V. . Zhdanova, O. A. Maksimova. T. P. (2016). Journal of Internet Banking and Commerce. Special Issue: Finance, Services Sector and Commerce: Innovations and Investments. 21.

لیلا زمانیان‌فر: (نویسنده مسئول) دکتری
حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و
تحقیقات تهران
زهرا کهن‌دل: دکتری حسابداری دانشگاه
آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

Claremont McKenna College, Claremont, CA, USA.

- Hulten, C. (2013). Stimulating Economic Growth through Knowledge-Based Investment; OECD Publishing: Paris, France.
- Jalila, A. -B. ; Saif, A. -M. (2020). The Inclusion of Knowledge Economy Concepts in the Omani Social Studies Textbooks. Int. J. Educ. Res. Rev. 5, 274–286.
- Kowalska, L. (2016). Sources of financial knowledge-based economy: the case of formal, non-formal and informal education in Poland. Journal of Oeconomia Copernicana. 1, 75–90.
- Mohamed MMA, Liu P, Nie G. (2020). Do Knowledge Economy Indicators Affect Economic Growth? Evidence from Developing Countries. Sustainability. 14(8): 4774.
- Morgan, J. P. (2020). The Global Impact Investing Network (GIIN)

(2005). The Knowledge Economy, the KAM Methodology and World Bank Operations; World Bank Institute Working Paper; World Bank: Washington, DC, USA.

- Davenport, T. H. (2001). Beck, J. C. The attention economy. Ubiquity, 1-es.
- Foiadelli, F. ; Anton, P. ; Dvorak, P. (2019). Introducing the EBRD Knowledge Economy Index; European Bank for Reconstruction and Development: London, UK.
- Goryainova L, Maksimova T, Zhdanova O and Ermilova M. (2020). Possible Ways to Attract Private Investment in a Knowledge-Based Economy E3S Web of Conferences 159 06013.
- Gupte, T. (2018). The Pursuit of Innovation: An Analysis of International Competitive Advantage in a Globalized Knowledge Economy. Bachelor’s Thesis,

